

حقایق اجتماعی

فهم بهتر جامعه با هدف درک بهتر از خویشتن

نوشته

دن بروک

استاد جامعه شناسی دانشگاه سن خوزه امریکا

ترجمه

امیر غریب عشقی

مقدمه نویسنده برای ترجمه فارسی:

مایه افتخارم است که اثر من تحت عنوان "حقایق اجتماعی" به فارسی ترجمه شده و به سپهر فارسی‌زبانان معرفی و ارائه می‌شود. چراکه فرهنگ فارسی دارای سنت طولانی و غنی از تفکر، آثار و خواندنی‌هایی است که هدف آن‌ها فهم بهتر و احترام به جهان مشترک ما بوده است. "حقایق اجتماعی" در این کتاب کوچک معطوف به مفاهیمی جهانی می‌باشد که البته ممکن است برخی از آن‌ها بسته به فرهنگ‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف به اشکال دیگری خود را نشان دهد. هدف علوم اجتماعی به طور عام و جامعه‌شناسی به طور خاص همیشه تلاش در جهت فهم بهتر جامعه بوده است تا به این وسیله جامعه را به نحوی اصلاح و بهسازی کنیم که خود و دیگران نیز از آن بهره‌مند شویم. من امید دارم که این کتاب کوچک در جهت کمک به خلق دوباره یک جهان امن‌تر، بهتر، معقول‌تر، منصفانه‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر برای همه ما به طور عام و بدون هیچ استثنایی الهام بخش و مؤثر باشد.

مقدمه مترجم

- ۱- انسان در موقعیت. شاید بتوان جامعه‌شناسی را در این جمله با کمی اغماض خلاصه کرد. انسان اجتماعی، انسانی در موقعیت است نه موجودی ایزوله و در خلا و مستقل از زمان و مکان.
- ۲- علوم مختلف علی‌رغم گسترش بی‌سابقه کمی و کیفی در حوزه‌های مختلف، در نگاه معرفت‌شناسانه و فلسفی هریک دارای مبانی تئوریک و اصول پایه‌ای (Basic) مشخصی هستند. به عبارت بهتر مفاهیم موجود در یک علم قابلیت زیپ‌شدن دارند، البته این به مفهوم تقلیل‌گرایی نیست.
- ۳- خلاصه‌گویی و ساده‌گویی مهارتی است که نشانگر تسلط سطح بالا و روشنی از هر علم و حوزه تخصصی دارد. به قول یکی از دوستان پژوهشگرم من آن قدر با سواد نیستم که بتوانم ساده بگویم و ساده بنویسم».
- ۴- کتاب حاضر که توسط استاد جامعه‌شناسی دانشگاه سن خوزه امریکا در سال ۲۰۱۲ با عنوان “Social Truths” منتشر شده حاوی ۵۰ مفهوم (Concept) اساسی در حوزه علوم اجتماعی نوشته‌ای که هر سه خصوصیت ذکر شده در بالا را دارد. هم در مورد انسان در موقعیت، سخن می‌گوید هم مبانی تئوریک این حوزه را مطرح می‌کند و هم بسیار موجز و سلیس و ساده نوشته شده و همین خصوصیت‌ها انگیزه لازم برای ترجمه به فارسی را مهیا کرد.
- ۵- این کتاب را می‌توان به عنوان انجیل کوچک علوم اجتماعی تلقی کرد. از این مفاهیم پنجاه- گانه می‌توان مبانی انسان‌شناسی (Anthropology)، معرفت‌شناسی (Epistemology)، جامعه‌شناسی (Sociology) و حتی علوم‌سیاسی (Political science) را نیز استخراج کرد.
- ۶- مفاهیم این کتاب از نظر مترجم تلاشی در جهت سه کارکرد زیر است:
- تبیین ماهیت، نیازها، توانمندی‌ها، محدودیت‌ها و پتانسیل‌های انسان (شامل ۱۰ مفهوم انسان‌شناسی)

- تبیین نحوه و روش و ساختار تفکر انسان. اینکه انسان چگونه می‌اندیشد، قضاوت می‌کند، تجزیه و تحلیل می‌کند و استنتاج می‌کند. حوزه‌ای که من به آن الگوریتم ذهنی می‌گویم. (شامل ۱۳ مفهوم معرفت‌شناسانه)

- چگونه انسان عمل می‌کند. واکنش نشان می‌دهد. محدوده، قوانین و محدودیت‌های کنش و واکنش و اثرمتقابل (Interaction) انسان در جامعه چیست؟ (شامل ۲۷ مفهوم جامعه‌شناسانه)

۷- این کتاب به روشنی نیاز علوم اجتماعی به اطلاعات و داده‌های سایر علوم که در شناخت بهتر انسان، جامعه و محیط یاری می‌رساند را نشان می‌دهد. اینکه علوم اجتماعی نیازمند انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، روان‌شناسی و حتی زیست‌شناسی و فیزیولوژی به صورت همزمان و پیوسته است.

۸- در مورد نویسنده نیز همان‌گونه که در رزومه وی (به بخش‌های آشنایی با نویسنده رجوع کنید) قابل مشاهده است، وی از نسل جامعه‌شناسانی است که من آن‌ها را جامعه‌شناسان آکادمیک-پراتیک می‌نامم که جامعه‌شناسی را نه به عنوان علمی فانتزی یا صرفاً آکادمیک یا صرفاً رشته‌ای درسی یا منبع درآمد یا منزلت آکادمیک در کلاس و دانشگاه که به عنوان نیاز امروز بشر در سطح زندگی روزمره می‌داند و آزادانه و خلاقانه آن را بکار می‌برد و قابلیت‌های متنوع و گسترده‌اش نشان می‌دهد. وی به عنوان جامعه‌شناس، فعال اجتماعی، استاد دانشگاه، شاعر، نویسنده، ژورنالیست، سخنران، فعال اینترنتی، فعال در شبکه‌های اجتماعی، مترجم، وبلاگ‌نویس و بسیاری حوزه‌های عمومی دیگر ایفای نقش می‌کند و همان‌گونه که در کتاب خود ذکر می‌کند جامعه‌شناسی را علم بهبود زندگی بشر و علم پیشرفت انسان و وظیفه آن را اصلاح اجتماعی می‌داند. لذا از جنبه شخصیتی نیز جذابیت خاصی برای من به عنوان مترجم داشته است چرا که وی را فردی فعال، خلاق، کارآفرین و بازیگر در عرصه اجتماع یافته‌ام، مدلی که به شدت به آن نیازمندیم.

۹- ترجمه کتاب حاضر با اجازه و هماهنگی خود نویسنده انجام گرفته و در مراحل بعدی نیز سایر نوشته‌های وی که دارای موضوعات جالب و متنوعی هستند ترجمه و در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار خواهد گرفت.

۱۰- از مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ^۱ به ویژه آقای دکتر ناصر فکوهی مدیر مؤسسه که امکان نشر سریع این ترجمه را به دو صورت الکترونیکی و کاغذی فراهم نمودند، صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

امیر غریب عشقی

^۱ - Iranian Institute of Anthropology and Culture (IIAC)

Thanks Amir, that was very kind of you to translate my *Social Truths* into Farsi and you certainly have my explicit permission to do so, as you do with my other publications. I like the idea of spreading knowledge and awareness.

برای آشنایی بیشتر با نویسنده به منابع زیر رجوع کنید:

<https://www.smashwords.com/profile/view/brook>

<https://about.me/danbrook>

- جامعه‌شناسی عبارت از مطالعه گروه‌های انسانی شامل دو نفر و بیشتر و عکس العمل‌ها و اثر متقابل آنها بر همدیگر می‌باشد. اینکه آنها چگونه عمل می‌کنند و چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهند، چگونه خود را سازماندهی می‌کنند، چگونه افکار و ایده‌هایشان را می‌سازند، چگونه جهان را تشریح می‌کنند، چگونه با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، چگونه مصرف می‌کنند، کار می‌کنند، بازی می‌کنند، می‌خورند، با شرایط خود را سازگار می‌کنند، می‌آموزند، عشق می‌ورزند، زندگی می‌کنند، می‌میرند و بسیاری چیزهای دیگر. جامعه‌شناسی بر روی فشارهای اجتماعی و اینکه چگونه این فشارها زندگی افراد را شکل می‌دهند و اینکه چگونه گروه‌هایی از انسانها زندگی اجتماعی خود را متأثر می‌کنند، متمرکز می‌شود. جامعه‌شناسی بر روی علل و عوامل و عواقب و نتایج افکار و رفتارهای انسانی تأکید می‌کند. جامعه‌شناسی روش جامعه برای درک و فهم خود است.

-سوال‌ات پایه‌ای جامعه‌شناسانه برای هر موقعیت مورد نظر می‌تواند شامل موارد زیر باشد، اما یقیناً محدود به این سوالات نیز نمی‌باشد:

- (۱) در موقعیت مورد نظر مردم چگونه می‌اندیشند، چه می‌گویند و چه می‌کنند؟

- (۲) چه نوع مردمانی وجود دارند؟

- (۳) چه کسانی داخل گروه و چه کسانی خارج از گروه قرار می‌گیرند؟

- (۴) چه قوانین و عاداتی (هنجارهایی) رفتار را در آن گروه مدیریت می‌کند؟

- (۵) چگونه نقش‌های اجتماعی تعیین می‌شوند؟ چگونه وظایف تقسیم می‌شوند

و نظام پاداش دهی و مجازات چگونه عمل می‌کند؟

- (۶) چه کسی یا کسانی این موارد را تعیین می‌کنند؟

- (۷) چگونه مردم اجتماعی می‌شوند؟

- (۸) چرا مسایل آنگونه هستند که هستند؟

- (۹) علایق چه کسانی در خدمت این نظم اجتماعی است؟

- (۱۰) چه کسانی برنده و چه کسانی با زنده هستند؟

- (۱۱) کدام افراد قدرتمند، فرآیندها، سازمانها و ساختارها، این نظم را متأثر می‌کنند؟

- (۱۲) به چه روشهایی تغییرات در سیستم رخ می‌دهد و با چه مکانیسم‌های سیستم پایدار باقی می‌ماند؟
- (۱۳) کی، چگونه و چرا مردم مقاومت از خود نشان می‌دهند؟
- (۱۴) آیا این سیستم یا فرایند (نسبتاً) پایدار است؟
- (۱۵) چگونه این وضعیت موجود در سیستم از نظر زمان و فضا مورد مقایسه قرار می‌گیرد؟
- (۱۶) این وضعیت به چه صورت‌های دیگری قابل تصور است؟
- (۱۷) چگونه از دانشی که بدست می‌آوریم می‌توانیم در جهت ارتقاء جامعه درس بگیریم؟ (E.Barbara philips)

- جامعه‌شناسی که در اصل توسط آگوست کنت تحت عنوان فیزیک اجتماعی مفهوم‌سازی شد. بعدها در سال ۱۸۳۸ توسط خود وی تحت نام جامعه‌شناسی که ترکیبی از کلمه لاتین Socius به معنای هم‌نشینی و پسوند ology که به معنی مطالعه بود، مشهور شد و این مطالعه جدید در اصل ابداع شد تا بتواند در فرآیند فهم جامعه و یافتن درمان‌هایی برای بیماری‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. پس در اصل هدف جامعه‌شناسی اصلاح اجتماعی است. بر اساس مقدمه ای که در سال ۱۹۸۸ در مورد جامعه‌شناسی عمومی (Herbert Gans) آمده، این مفهوم حاصل تلاشی صریح برای بازیابی روح جامعه‌شناسی از مفهوم حرفه ای شده آن می‌باشد. جامعه‌شناسی عمومی در تلاش است تا تعامل فضاهای متنوع عمومی از سطح محلی تا سطح جهانی، شامل دانشجوها، سیاست‌گذاران، مخاطبین رسانه‌ها، جنبش‌های اجتماعی و اقلیت‌های به حاشیه رانده شده را وارد تعامل کند. جامعه‌شناسی به عنوان آینه و وجدان جامعه، بایستی تعیین‌کننده، تسهیل‌گر، مروج و اصلاح‌گر گفتگو و تعامل اجتماعی در مورد گسترش شکاف‌های طبقاتی و نژادی، الگوهای جنسیتی و تخریب محیط‌زیست، بنیادگرایی بازار و خشونت‌های دولتی و غیردولتی باشد (Michael Burawoy).

- چیزها (Things) الزاماً آن چیزی نیستند که به نظر می‌آیند. ظواهر غالباً ماهیت و ذات را پنهان می‌کنند. تو نمی‌توانی یک کتاب را از روی جلد آن قضاوت کنی (ضرب المثل). ظاهر همیشه برابر با واقعیت نیست. چیزها آن چیزی نیستند که به نظر

می‌آیند (Peter Berger). چیزهای کوچک ممکن است حاوی معانی بزرگ باشند. نیازهای بی‌معنی اجتماعی دلالت بر بی‌معنی بودن جامعه‌شناسانه آنها نمی‌کند. (Gary Marx & Doug McAdom, Erving Goffman).

- زمانیکه مردمان یک موقعیت را به عنوان حقیقت بیان می‌کنند، در اصل آنها از حقیقت نزد خودشان سخن می‌گویند (William I. Thomas). ظواهر غالباً خود را به عنوان اصل و ذات معرفی می‌کنند. برخی اوقات نیز ظواهر تبدیل به واقعیت می‌شود. چهره یک فرد و یا نماد خارجی یک ساختار اولین چیزی است که توسط دیگران مشاهده می‌شود و غالباً به عنوان معیاری برای کل مجموعه در نظر گرفته می‌شود.

- افرادی که بر چسب «غیر طبیعی» و متفاوت به آنها زده می‌شود، غالباً به همین صورت متفاوت و غیر طبیعی نیز رفتار و عمل می‌کنند (رفتارهای دو گانه / منحرف، مدل عدسی، Egon Brunswick). برعکس، افرادی که بصورت مثبت بر چسب خورده و با آنها مثبت رفتار می‌شود، بر همین منوال نیز رفتار می‌کنند، نتیجه‌ای که قابل انتظار نیز هست. علاوه بر این، برچسب‌ها و کلیشه‌ها، هم چنین برای طبقه‌بندی سایر کیفیت‌های انسانی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند و مجدداً برای سری جدیدی از کلیشه‌ها و طبقه بندی‌های یک بعدی مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرند. کلیشه‌ها و یا عبارت بهتر «تصاویر موجود در ذهن‌ها» (Walter Lippman) باعث برجسته شدن بیشتر حقایقی در مورد گروه-هایی معین از مردم می‌شود که منجر به انبساط و گسترش تصویرهای هیولایی و غیر واقعی می‌شود که بعداً این تصاویر به تک‌تک افراد آن گروه‌های انسانی نیز تعمیم داده می‌شود (سفسطه اکولوژیکی). بر اساس منطق نگاه شیشه بر خود (looking glass self) شما چیزی هستید که فکر می‌کنید دیگران در مورد شما فکر می‌کنند (تئوری برچسب‌زنی: Charles H. Collley)(خلق خود به عنوان ابژه و سوژه، George Herbert Mead) (تئوری آگاهی دوگانه: W.E.B. DuBois)

- تحلیل‌های پیشگویانه خود موید، اغلب شایعند و برای تأیید خودشان مطرح می‌شوند و بیشتر خود موید هستند تا تحلیل (خطای تایید Robert K. Merton).

- نام‌ها، بر چسب‌ها، عناوین، زبان، سمبل‌ها، استعاره‌ها، فرهنگ و باورها، حقیقت را شکل می‌دهند. اینکه ما چگونه در مورد چیزها فکر می‌کنیم، چگونه آنرا عنوان می‌کنیم، چگونه آنرا ترسیم می‌کنیم و چگونه آنرا تشریح می‌کنیم به شدت بر اینکه ما چگونه آنرا مشاهده می‌کنیم، آنرا تفسیر می‌کنیم، آنرا می‌فهمیم و چگونه با آن رفتار می‌کنیم و بر ارزیابی ما از خودمان و دیگران تأثیرگذار است (George Lakoff).

- ساختارهای اجتماعی رفتارهای افراد را سامان می‌دهند اما در عین حال ساختارهای اجتماعی نیز به افراد قدرت می‌بخشند. رفتارهای فردی می‌تواند باعث تقویت و پایداری ساختارهای اجتماعی گردد، اما مردم همچنین می‌توانند باعث تخریب، تحلیل و واژگون کردن آنها نیز شوند، به همچنین است سیستم‌های اجتماعی نیز. مردم و موسسات بصورت پیوسته بواسطه فرهنگ با همدیگر در تعامل و اثر متقابل هستند و اقدام به باز تولید، باز آفرینی و گهگاهی تخریب همدیگر می‌کنند. (تصور جامعه شناسانه C.Wright Mills، مسئله ساختار - عامل و دیالکتیک‌ها، Anthony Giddens, William Mills, Sewell).

- مردم در داخل چندین شبکه از جمله خانواده، دوستان، آشنایان، همسایه‌ها، هم‌تایان، همکاران، هم قطاران، هم کلاسی‌ها و شرکا و موارد مشابه حضور دارند (اکوسیستم). "زندگی تنها در دایره اجتماع وجود دارد". روابط مبنای تشکیل هر چیزی است و این مسائل جزو ضروریات تحقق انسانیت ماست (David Korten). هیچ کسی در جامعه تنها نیست، گر چه ممکن است در میان تعداد بسیاری از مردم بصورت بیگانه حس شود و بنابراین احساس تنهایی کند (اگزیستانسیالیسم: John Donne). برخی روابط اجتماعی قویتر از سایر روابط است و ممکن است در خدمت اهداف مختلفی باشد و کارکردهای مختلفی را نیز در مقاطع زمانی مختلف بر عهده داشته باشند (Georg Simmel; Mark Granovetter).

- مردمان غالباً بر اساس عادت و الگوهای رایج عمل می‌کنند. همچنین مردم بیش از آن که بدنبال بهره‌مندی از ارزش مصرفی کالاها باشند در پی نمایش مصرف، نمایش اتلاف، نمایش تفریح و نمایش گفتار و سایر رفتارهای بی‌قاعده اما غالب هستند. چنین فعالیت‌هایی بیشتر جنبه نمایشی و مطرح کردن دارند تا اینکه خود فعالیت‌ها مدنظر باشد.

- سوالاتی که ما می‌پرسیم به همراه خط‌مشی‌ها و راه‌حلی‌هایی که ما پیشنهاد می‌کنیم و می‌پذیریم، به تعیین پاسخ‌هایی که می‌گیریم یاری می‌رساند. تعاریف، مفهوم سازی‌ها، ایدئولوژی، چشم‌اندازها، روش‌ها، فرض‌های عمیق، باورهای مهم و سطح آنالیز، می‌تواند خروجی ما را متأثر کند. "آنچه شما می‌بینید به شدت به نحوه نگرش شما وابسته است" و به همان میزان به اینکه شما که و چه هستید (E.Barbara phillips). "یک روش مشاهده، مشاهده نکردن است" (Lewis Coser).

- مردمان بصورت جمعی (وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند) بصورت متفاوتی رفتار می‌کنند (Emile Durkheim). جامعه بسیار بزرگتر از جمع عددی افراد تشکیل دهنده آن است.

- تغییر، ثابت و همیشه وجود دارد. هیچ چیزی ثابت نیست. تنها چیزی که هرگز تغییر نمی‌کند فقط خود تغییر است. (تئوری شدن Euripides: Goerg Simmel; I ching; Lao Tzu Tao Te Ching; Heraclitus: مردمان، زبان‌ها، جوامع، اقتصادها و فرهنگ‌ها همیشه تغییر می‌کنند، غالباً بسیار به آهستگی اما گاهی به سرعت. مردم عموماً از تغییر هم می‌هراسند و هم از آن استقبال می‌کنند.

- مردم همیشه دست به انتخاب می‌زنند و این انتخاب‌ها همیشه با ارزش و فرصت‌های اجتماعی در هم تنیده است. حتی وقتی که ما نمی‌خواهیم و یا تصور می‌کنیم

که درباره آن فکر نمی‌کنیم نیز در حال انتخاب هستیم. حتی انتخاب نکردن انتخاب نیز، خود انتخاب است؛ بنابراین انتخاب کردن ناگزیر است. هر کاری که ما انجام می‌دهیم و یا نمی‌دهیم و هر چیزی که انجام گرفته یا نگرفته بر روی خود ما و دیگران تأثیر می‌گذارد (امر ضروری Immanuel Kant).

– عقل سلیم، عموماً شامل ایده‌های مشترکی است که با جریان اصلی جامعه و ایدئولوژی غالب پیوستگی دارد. ایده‌های هدایت‌کننده روز، ایده‌هایی هستند که طبقه را هدایت می‌کنند (Thrasymachus; Karl Marx).

– هر چیزی که در مسیری خاص قرار دارد به چیزهای دیگر نیز مرتبط است (گرفتاری Erwin Schrodinger; در جات گسست Stanley Milgram ; مسئله جهان کوانتوم John Muir).

– تغییر در یک حوزه، غالباً منجر به تغییر در سایر حوزه‌ها می‌شود. تغییرات بسیار کوچک در یک جزء از یک فرآیند، می‌تواند منجر به تغییرات گسترده در خروجی سیستم شود، همانگونه که تغییرات کمی می‌تواند منجر به تغییرات کیفی گردد (نقاط بحرانی یا آستانه، نقاط اوج و نهایی، آنالیز سیستمها و تئوری آشوب). ما اسیر و گرفتار در یک شبکه گریز ناپذیر از اثرات متقابل و واکنش‌ها هستیم (Martin Luther King, Jr).

طبقه اجتماعی، نژاد، جنسیت و جنس در کنار سایر معیارهای طبقه‌بندی و قدرت، در همه جای جامعه حضور دارند حتی اگر این مسائل به چشم نیایند. آنها نه تنها موقعیت‌های اصلی و خصوصیات انسانی هستند بلکه آنها پروژه‌ها و فرآیندهایی هستند که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، بر اساس آنها عمل می‌شود، اقدام می‌شود و اعمال می‌شوند و توسط آنها تفاوت‌های اجتماعی تولید یا حفاظت می‌شوند و در داخل روابط متقابل اجتماعی جای می‌گیرند

(Candace West and Don Zimmerman; Judith Butler).

هویت‌ها غالباً پروژه‌های شخصی و سیاسی هستند که ما در آنها مشارکت می‌کنیم (Craig Calhoun). هیچکدام از این ویژگی‌ها منشأ زیست‌شناسانه، ژنتیکی، طبیعی یا تثبیت شده ندارد اما به شدت فرایندهایی هستند که بصورت پیوسته و اجتماعی ساخته می‌شوند، ساختار شکنی می‌شوند و مجدداً ساختارمند می‌گردند. هویت‌ها از خلال کشمکش‌های روزمره و عمل جمعی خلق و باز تولید می‌شوند. تولید احساس ما (Us) یا آنها (Them) را می‌کند که گهگاه بصورت مفهوم دیگری (Othering) خود را نشان می‌دهد. این خصوصیات اصلی بر هم اثر باز تولیدی و باز تعریفی دارند، در عین حال که آنها کلیه روابط اجتماعی و ساختارهای اجتماعی را برانگیخته می‌کنند.

– پدیده‌های اجتماعی (از جمله مردم) به همان میزان که حادثه هستند، فرآیند نیز می‌باشند (Alfred North whitehead; Mae-Wan Ho). چیزها به وقوع می‌پیوندند اما آنها همواره دارای زمینه‌ای هستند که در آن چیزی اتفاق می‌افتد که مهمترین آنها یک تاریخ و یک آینده است. حوادث و فرآیندها از طریق روابط با سایر حوادث و فرآیندها همزمانی دارند. (ردیابی حادثه – فرآیند).

– غالب مشکلات اجتماعی، اجتماعی هستند، لذا نمی‌توان تنها با روشهای تکنیکی صرف آنها را حل کرد، بلکه تنها می‌توان آنها را با ترکیب تغییرات اخلاقی و اجتماعی حل کرد (Garret Hardin).

– آنچه که مردمان فکر می‌کنند، می‌گویند و عمل می‌کنند غالباً متناقض با یکدیگر است.

– مردمان در مشاهده و تغییر واقعیت بصورت همزمان مشارکت می‌کنند. حقایق و ارزش‌ها غیر قابل تفکیک هستند، گر چه بی طرف بودن و واقع گرا بودن عملاً گمراه کننده است (مسئله ارزش – واقعیت).

- دولت‌ها، شرکت‌ها، موسسات مذهبی، ارتش‌ها، زندان‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و غالب سازمان‌های پیچیده ذاتا سلسله مراتبی مبتنی بر اجبار هستند و بصورت افزایشی در مسیر عادی شدن، عقلانی شدن و بوروکراتیزه شدن پیش می‌روند (Max Weber) (Michel Foucault; Goerge Ritzer). سیستم‌های پیچیده را نمی‌توان به کارکرد مجزای اجزای آن تقلیل داد. چرا که گروه‌ها و سازمان‌ها بزرگتر از مجموع جمع جبری اجزای تشکیل دهنده آنها هستند.

- نوشتن تاریخ نوعی فعالیت از جنس ساختن است نه ثبت تکه‌های حقایق اجتماعی گذشته. درست مانند ساختن یک نقشه که فعالیتی است از نوع ساختن و نه از نوع باز تولید جهان. "کسی که امروز را کنترل می‌کند گذشته را نیز در کنترل خود دارد" (Goerge Orwell). اگر قربانیان (شیرها) می‌توانستند تاریخ خود را بنویسید، جلادها (شکارچی‌ها) از عظمت و شکوه خود فرو می‌افتادند. (برگرفته از یک ضرب المثل آفریقایی). بازندگان تاریخ ندارند، بلکه تنها برندگان تاریخ دارند. (Samuel Ruiz Garcia, Edward P. Thompson, Eric Wolf; Howard Zinn, Noam Chamsky, Michael Parenti, Arandhati Roy).

- همه چیز نسبی است و وابسته به زمان، مکان، روش، ایدئولوژی و فرهنگ. مردمان به شکل خارق‌العاده ای سازگار و منعطف هستند. " همه چیز بستگی دارد" (Dan Brooke).

- قدرت و عدم قدرت منجر به فساد می‌شود، قدرت و عدم قدرت مطلق، قطعاً منجر به فساد می‌شود.

(Edward Abbey following John Action; Michael Lerner; TR Young). مردمی که به سمت افراط و تفریط هل داده شوند مستعد گرایش به افراط و تفریط می‌شوند. شرایط خشن پرورش دهنده رفتار خشن می‌باشد (E. Currie) در

حالی که شرایط نرم غالباً پدید آورنده رفتار سخاوتمندانه و مدارا مند است (D.Morris; Ronald Inglehart البته به همراه استثنای قابل توجه (E.Barbara Phillips).

- "سرزنش قربانیان" یک روش متداول برای رفع تقصیر و مسئولیت از سیستم و ساختارها به سمت افراد و گروههای معین است. این رویکرد، نابرابری و رنج را از طریق جستجوی خطا در قربانیان نابرابری مدیریت می کند به این ترتیب که این خطا را نیز جزیی ذاتی یا فرهنگی متعلق به قربانیان تلقی می کند. در نتیجه هر گونه تهدید و انتقام از سیستم را کمرنگ می کند و در جهت حمایت از منافع و علائق غالب جامعه عمل می کند (قربانی مقصر معرفی می شود).

فرمول سرزنش قربانیان بسیار ساده می باشد:

1) تعیین یک آسیب

۲) جستجو برای یافتن کسانی که دچار آسیب شده اند و تعیین تفاوت های آنها با دیگران.

۳) تعیین همین نقطه تفاوت به عنوان دلیل آسیب (William Ryn; John Milton).

- شوخی غالباً برای نرم کردن و تغییر چهره باورها، اطلاعات و یا اعمال و اقدامات ناخوش آیند و تند بکار می روند. (James Scott; Lewis Hyde). غالباً آنچه در قالب شوخی بیان می شود دارای معنا و منظوری جدی است (Talmud). در شوخی حقیقی نهفته است (ضرب المثل).

- در اصل انواع مختلف و ابعاد گوناگونی از هوش وجود دارد. علاوه بر دو مدل استاندارد هوش منطقی و عقلانی (که با تست ناکامل IQ سنجیده می شوند) می توان مدل های دیگری از جمله هوش احساسی، اجتماعی، طبیعی، اکولوژیکی، شهودی، درون فردی، بین فردی، وجودی، هنری، خلاقانه، مکانی و زمانی، موسیقایی، گویشی، زبان شناختی، حرکتی/ فیزیکی، ریاضی، تحلیلی، کارآفرینی، تلفیقی، مکانیکی، سازمانی،

استراتژیک، روحی و روانی و انواع دیگر هوش را نیز بر شمرده (Deniel Geloman; Charles Handy; Howard Gardner).

— غالب مردم غالباً از نرم‌های غالب در اغلب زمانها پیروی می‌کنند، گر چه بدعت (انحراف) از هنجار نیز هر زمانی مشاهده می‌شود و این انحراف نیز خود نرمال است (Emile Durkheim). بدعت به صورت فردی می‌تواند مستوجب پاداش یا مجازات شود همچنین می‌تواند منتهی به کنترل، سرکوب و یا تغییر اجتماعی نیز بشود.

— "ما چیزها را آنگونه که هستیم می‌بینیم نه آنگونه که هستند" (Leo Rosten). "مردم چیزها را همانگونه که هست نمی‌گویند بلکه آنرا آنگونه که می‌بینند بازگو می‌کنند" (Ernst Von Glasserfeld). جمله "من زمانی آنرا باور می‌کنم که من آنرا ببینم، معادل جمله "من زمانی می‌بینم که من آنرا باور کنم" می‌باشد. (karl Wieck). "حقیقت در چشمان بیننده است" (E.Barbara Phillips). "تمام موجودات مشروط هستند" (Buddha). جهان از مسیر لنزهای متعدد ما باز آفرینی می‌شود. با این وجود همچنان چنین نیز گفته می‌شود که "اگر حقیقتاً می‌خواهی حقیقت را درک کنی، سعی کن آنرا تغییر دهی" (Henry Volken; Kurt Lewin).

— مردم ذاتاً خوب یا بد نیستند، ما می‌توانیم، وحشتناک یا قهرمان، هیچ کدام و یا هر دوی آنها باشیم تعداد بسیار محدودی از چیزها و مردم اگر هم باشند کلاً خوب یا بد هستند.

— مردمان بسیار تمایل به انجام دادن یا باور کردن چیزهایی دارند که مورد حمایت باشد و یا مورد تبلیغ قرار بگیرد (James Fenimore Cooper). مردمان غالباً از فرامین پیروی می‌کنند اما ممکن است در مقابل اقتدار، زمانی که احساس کنند، مجبور به انجام کاری هستند یا این عمل مورد حمایت و تأکید بیش از حد رهبران می‌باشد، مقاومت کنند

Stanley Milgram, Muzafer Solomon Asch; Philip Zimbardo)

(Sherif, زمانی که مردمان احساس مظلومیت کنند، ممکن است متحد شوند و دست به اقدامات جمعی مقاومتی از جمله انواعی از فعالیت‌های روزمره‌ای مثل توهین، وسایر حملات مخفی تا اقدامات کمتر متداولی مثل آتش زدن، شورش و قیام بزنند (James Scott).

- سیاست، فرهنگ و اقتصاد صرفاً در زمان تجزیه و تحلیل قابل تفکیک از هم می‌باشند، اما در عمل آنها به شکل جدایی ناپذیری به هم پیوسته هستند گر چه در تئوری همیشه چنین نیست.

- تمام مردمان و جوامع قابلیت بیشتری از آنچه که هستند دارند، در اصل هیچ محدودیتی جز تصور خودمان از آنچه که می‌توانیم انجام دهیم، وجود ندارد.

- قدرمند همیشه سعی در مشروعیت بخشی به قدرت خود دارد، غالباً این کار از طریق سرزنش قربانیان انجام می‌پذیرد، همچنین از روش‌هایی نظیر به کارگیری اسطوره‌ها، علم، آموزش، عقل جمعی، آیین‌ها، سمبل‌ها، پرچم‌ها، بیگانه‌هراسی، تکنیک، دین، ایدئولوژی، سنت، تبلیغ تاریخی، ملی‌گرایی، تحقیر و سایر فرم‌های فرهنگی در کنار فشار فیزیکی و روش‌های اجباری سیاسی، اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد (هژمونی (Aantonio Gramsci).

- مردمان همیشه روی صحنه و سن هستند. آنها نقش بازی می‌کنند، قطعاتی را اجرا می‌کنند، از روی نوشته‌ها می‌خوانند، تمرین می‌کنند، ماسک می‌گذارند، با دیگران کار می‌کنند، خود را به نمایش می‌گذارند و خود را عرضه می‌کنند. گرچه واقعیت این است که آنها تمام این فعالیت‌ها را در حالی انجام می‌دهند که تمام این صحنه بزرگ از قبل آماده شده است. مردمان همچنین قابلیت مدیریت شدن و مورد بهره‌برداری قرار گرفتن از سوی دیگران را نیز دارند. مردمان آن چیزی هستند که می‌گویند و انجام می‌دهند. مردمان همچنان آن چیزی هستند که وانمود می‌کنند و دوست دارند که باشند. این مهم

نیست که آیا ما برای بازی خود روی صحنه می‌رویم یا نه، مهم اینست که کدام قسمت‌ها را می‌خواهیم بازی کنیم و با چه کیفیتی این کار را انجام می‌دهیم.
(William Shakespeare; Kenncth Burke; Erring Goffman; Kurt Vonnegut);

- علائم و نمادها واسطه‌های فرهنگی هستند که برای ساده‌تر کردن و ارتباط برقرار کردن و ارسال پیام‌های پیچیده و در عین حال مختصر مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنها ذاتا دارای معنا نیستند بلکه تنها از طریق تبادلات اجتماعی بین گروهی حاوی معنا می‌شوند و قابلیت استفاده دارند. مردمان بواسطه مبادلات نمادی با هم ارتباط برقرار می‌کنند که شامل روشهایی است که طی آن مردمان عمل و عکس‌العمل از خود نشان می‌دهند و از این طریق اطلاعات را بهم دیگر منتقل می‌کنند، به همین طریق اجتماعی می‌شوند، در جامعه نشانه گذاری می‌شوند و بر هم اثر می‌گذارند (واکنش گرایی نمادی).

- مردمان و سازمانها می‌توانند تغییرات اجتماعی را متاثر کنند اما فقط زمانی که فرصت‌ها و موقعیت‌ها اجازه تغییر را بدهند.

(مدل فرآیند سیاسی (Charles Tilly, Sidney Tarrow). مردمان و سازمانها «با اقلیت فعال» می‌توانند در امر ایجاد فرصت‌ها و موقعیت‌ها نیز موثر باشند و آنها را گسترش دهند و این کار را می‌توانند با عمل و گفتار خود زمانی که این عمل و گفتار با زمینه فرهنگی جمعیت همخوانی داشته باشند انجام دهند
(Ervin Goffman, David Snow, Mark Granovetter, Malcolm Gladwell; Goerge Lakoff; .

- زندگی اجتماعی ممکن است پیچیده باشد اما تصادفی نیست، علی‌رغم اینکه به نظر می‌رسد آشوب بر جهان حکم فرماست اما الگوها و جهت‌هایی نیز وجود دارد.

- مردمان علاقه دارند جهان خود را انسانی سازند و به آن چهره انسانی دهند. مردمان در صورت هیچ خدایی آفریده نشده‌اند، اما در ذهن خود خدایان بسیاری می‌-

آفرینند. اگر اسبها بخواهد خدایانی را بستانید، این خدایان بایستی شبیه اسبها باشند (Xenophanes). لذا خدایان بیش از آنکه عناصری از نوع پدیده‌های اولیه باشند از نوع پدیده‌های ثانویه (عارضی) هستند (Ludwig Feuerbach; Voltaire).

– سازمانها و موسسات دارای کیفیت‌های ایستا هستند. آنها تمایل دارند خود را باز تولید کنند و بر مدار خود باقی بمانند. حتی زمانیکه به شدت تحت فشار هستند تا تغییراتی در خود ایجاد کنند به نحوی عمل می‌کنند که در اصل نقش بازی می‌کنند (Neil Fligstein). سازمانهای موفق که تمایل دارند بروکراتیزه شوند، عظیم تر و کارآمدتر از مجموع اجزای خود هستند (Max Weber).

– هیچ حقیقت، تاریخ، منافع ملی، پاسخ، عقل سلیم یا راه درست منحصر به فردی وجود ندارد. حقایق متکثری وجود دارد و تمام اینها دارای فرآیندهای اجتماعی، تاریخی، روان شناسانه، ایدئولوژیک، خطا دار، نسبی، تجربی، قابل مذاکره و رقابت پذیر می‌باشند که در نهایت در روابط قدرت خود را نشان می‌دهند (تئوری تعارض). هیچ فرد یا هیچ چیزی بی طرف و خالی از ارزش نیست. همیشه ابعاد دیگری غیر از دوروی سکه نیز وجود دارد (پست مدرنیسم). زمانی که مارگارت تاچر از اصطلاح TINA به مفهوم هیچ جایگزینی برای جهانی شدن وجود ندارد سخن می‌گفت، شواهد تجربی نشان می‌داد که برای تقریباً هر مسئله یا موضوعی راه حل‌ها و پاسخ‌های بسیاری وجود دارد (TAMA).

– نظام سلسله مراتبی، نظام طبقه بندی، نظام سلطه و طبقه الیت در همه جا حضور دارند، اما الزاماً گزیر ناپذیر نیز نیستند. دراین مورد هر چند کم اما استثناهای قابل توجهی نیز با توجه به زمان و مکان وجود دارد (قدرت نخبه گرا، آرمانشهر گرایی، جایگزین گرایی).

- رقابت و همکاری معمولاً به طور همزمان و شانه به شانه هم وجود دارند و عمل می‌کنند (Peter Kropotkin). مردم و سازمانها با برخی رقابت و همزمان با برخی دیگر همکاری می‌کنند. سیاست، علم متحد ساختن دوستان و تفرقه افکنی بین دشمنان است (Kevin Danaher). کمپانی‌ها و دولتها بیشتر از آنکه با هم رقابت کنند، با هم همکاری می‌کنند. معنای اولیه رقابت در اصل ایدئولوژیک است. همچنین بیشتر از بقیه گروه‌ها، رقابت در میان طبقات اجتماعی، نژادها و گروه‌های جنسیتی برای بدست آوردن کالاهای اجتماعی رخ می‌دهد (تعارض چشم اندازها). بدون مجادله و تعارض پیشرفتی وجود ندارد (Frederick Douglass). با این حال عموماً همکاری بیش از رقابت مورد استقبال قرار گرفته و مطلوب تلقی می‌شود. مردمان اصولاً بیش از آنکه متفاوت باشند. به هم شبیه هستند و اشتراکات بیشتری با هم دارند.

- غالباً معضلات شخصی و فردی بیان کننده معضلات جمعی و اجتماعی نیز می‌باشند (تصورات جامعه شناسانه (Wright Mills). رهبران کارآمد و سایر کارآفرینان اجتماعی، باعث تسهیل و ایجاد ارتباطات اجتماعی شده و از این طریق باعث هدایت و کانالیزه شدن نیروها و توانمندیهای فردی در جهت اهداف عمومی از پیش گفته، می‌شوند و این کار را با آفرینش داستانهای معنی دار انجام می‌دهند (کانالیزه کردن، ایجاد رضایت مندی).

- عقاید و ایده‌های نو و مخالف نهایتاً پذیرفته شده و جزئی از آگاهی جمعی و عقل سلیم می‌شوند؛ اما در طی این فرایند، این عقاید با انکار، بزرگ نمایی، تمسخر، مخالفت، مقاومت و حمله مواجه می‌شوند، اما در نهایت پذیرفته شده و پس از مدتی کاملاً بدیهی به نظر می‌رسند

(John Locke; Arthur Schopenhauer; John Stuart Mill; Gandhi; George Bernard Shaw; Thomas Kuhn; Arthur Koestler; Rosalyn Yalow; Assar Lindbeck; (تغییرات پارادایمی).

در طی این تغییرات همیشه نقاط اوج یا بحرانی وجود دارد که در طی آن فرآیند تبدیل عقیده ناشناخته و غیر ممکن به عقل جمعی و بدیهی مسیر خود را طی می کند (Malcolm Gladwell; Feigenbaum Points; critical mass; click events; aha principle; Threshold points; hundredth monkey; Carl Jung's; اپیدمیولوژی). ناآگاهی جمعی

-جامعه شناسی ممکن است امر مقدس و زشت را نیز مورد مطالعه قرار دهد اما جامعه شناسی به هیچ چیز نگاه مقدس و یا زشت ندارد. هر چیزی قابلیت مطالعه، تحقیق، آنالیز، مقایسه و نقد را دارد.

- ساده گی به شدت اغوا کننده و جذاب است در حالیکه پیچیدگی به نظر مغشوش و در هم می آید. مردمان معمولاً تمایل به خست و صرفه جویی دارند. چیزها را به هر میزان که ممکن است ساده کنید اما نه ساده تر (Abert Einstein)

- تمام قوانین استثنا پذیر هستند (از جمله خود همین عبارت)!